

نقدی کوتاه بر نمایشگاه عکس های آرنو فیشر به نمایشگاه گردانی آندریاس روست در گالری راه ابریشم تهران:

این نمایشگاه گلچینی است از یک دوره کامل عکاسی، از گذشته تا سالهای نزدیک، آثار به نمایش درآمده در ابعاد ۲۷×۴۰ سانتیمتر دارای پاسپارتنوی سفید در فریم چوبی به رنگ چوب و چاپ اورجینال سیاه و سفید قاب شده اند، بخشی از این آثار که در اتاقی جدا به تصویر کشیده شده اند نیز عکس های پولاروید رنگی در ابعاد ۱۰×۱۰ سانتیمتر و نسخه اصل می باشند که به صورت سه تایی همراه با پاسپارتنوی سفید با فریمی نقره ای در یک قاب چاپ شده اند.

جهت نمایش آثار از دوران متاخر شروع شده و هر بخش را متنی راهنما همراهی می نماید.

عمده عکس های فیشر را مستند اجتماعی، مناظر شهری و پرتره های اجتماعی شامل می شوند، این تصاویر نمایانگر دوره ای خاص می باشند که زندگی مردم و جامعه آن زمان را به تصویر می کشند، تصاویر او روایتی است از آلمان شرقی و غربی، روسیه، بعضی از کشورهای اروپایی و آمریکای آن دوران.

عکس ها آنچه وجود داشته را بدون دستکاری، صحنه سازی، تکلف، پرگویی و کاستی به مخاطب نشان می دهند، درون تصاویر رمزگانی خاص وجود دارد که مختص فیشر است، رمزگانی همراه با شاعرانگی که تمامی مرزهای ایدئولوژیک را نقض می کنند و شاید مهم ترین دلیلش این باشد که او زندگی پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته، از فوت پدر و مادرش بر اثر سل در دوران کودکی اش گرفته تا عمویش که کمونیستی دو آتیشه بود و فیشر نیز تحت تاثیر او قرار گرفت

و راه او را ادامه داد، البته کمی میانه روتر از عمویش و از همه مهمتر که او متولد آلمان شرقی و برلین آن زمان است.

در عکس های او می توان نگاهی رمزآلود، خاص و بدون اغراق به انسانها را در موقعیت های خاص و لحظات مهم تاریخی دید، تصاویر او انسانهای عادی را در حالت زندگی روزمره نشان می دهند و حتی نیویورک را آنچنان که در آن زمان بود نشان می داد و نه آنطور پر زرق و برق که در رسانه ها دیده می شد، به گمان من شاید دلیلش تنفر از فاشیسم بود که طالب بزرگ نمایی، صحنه سازی و اغراق در تصاویر بودند.

در پرتره های او بعضی از هنرمندان بزرگ نیز دیده می شوند که در میان آنها می توان به رابرت فرانک و جان هارتفیلد اشاره کرد، در حقیقت چرایی وجود آنها در بخش پرتره ها نیز علامت سوال را در ذهن مخاطب ایجاد می نماید و شاید او تحت تاثیر آنها نیز قرار داشته، به نحوی که تصاویر آمریکای او نا خودآگاه ما را یاد آمریکایی های رابرت فرانک می اندازند، مخصوصا تصویر مردی که در کنار پرچم آمریکا ایستاده، یادآور تصویر زنی است که صورتش با پرچم آمریکا پوشیده شده (اثر رابرت فرانک).

در آخرین تصاویر او که در باغ شخصی اش به صورت پولاروید ثبت شده، انگار دوران فراغت ذهنی عکاس از همه دغدغه های گذشته را نشان می دهند و نیز گویای دوران بازنشستگی و لذت از طبیعت، بافت، فرم، رنگ، نور، لحظه و خاطراتی که درون آنها موج می زند هستند، نوعی آسودگی خیال و حس رهایی را می توان درون آنها دید.

با سپاس از توجه شما